

برتری صبر بر سائر اعمال

آیت الله جوادی آملی



هدایت در قرآن

قسمت چهل و چهارم

اساس آن قاتون کلی که حضرت رسول صلی الله علیه وآلہ وسلم فرمود: «افضل الاعمال احمرها»^۱، از اعمال آن که مشکل تراست، افضل است. بنا بر این گاهی صبر بر مصیبت، سخت تر از صبر بر طاعت است و گاهی صبر از مصیبت سخت تر از صبر بر طاعت است. مثلاً گاهی انسان صبر بر طاعت جهاد باید بکند و گاهی صبر از مصیبت نگاه به نامحرم، پس آیا هر صبر از مصیبت افضل است از هر صبر بر طاعت؟ عطفاً چنین نیست؛ چون روایتهای دیگری برخلاف این روایت آمده، یعنی صبر بر طاعت در برخی از موارد، افضل از صبر بر مصیبت است. صبر بر مصیبت در بعض از موارد افضل از صبر بر طاعت است پس جمع بین این گروه متعارض از روایات به همان اصل کلی «افضل الاعمال احمرها» است یعنی هرجا تحمل نفس دشوار بود و تکلیف بر نفس شکا بود که نفس باید با یک جهاد درونی آن مطلب را تحمل کند، آنجا بر این راست افضل و برتر است.

در اینجا آنچه معلوم است که یوسف صدیق علیه السلام امتحان شد، آن صبر از مصیبت افضل از صبر بر بسیاری طاعتها است.

صبری که اجر هزار شهید دارد

راز همین مطلب اول، حکم مطلب دوم روشن می شود. مثلاً در باره صبر مقابل شهادت، اینچنین آمده که اگر صبر را با شهادت بستجیم، این صبر از شهادت بالاتر می شود. مرحوم کلینی رضوان الله علیه از امام صادق علیه السلام نقل می کند که: «فَنِ ابْنِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِلَا فَصْبَرٍ عَلَيْهِ، كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ الْفَلَّاحِ»^۲ هر مؤمنی که به بلانی مبتلا شد، اگر برای رضای خدا آن را تحمل کند و صبر کند، پاداش او برای پاداش هزار شهید است. آن صیره‌هایی که رسول صلی الله علیه وآلہ وسلم یا اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام داشتند که

«والذين صبروا ابتلاء وجه رتهم واقموا الصلوة وأنفقوا مثنا رزقاهم سرما
وعلاية ويدرون بالحسنة التسعة، أولئك لهم غنى الدار.»
(سوره رعد - آیه ۴۲)

قبل مطرح شد که روایات معصومین علیهم السلام صبر را به چند قسم تقسیم کرده‌اند و برای هر کدام از اقسام درجاتی ذکر کرده‌اند که برخی از آنها نازل، بعضی متوسط و بعضی دیگر عالی است. اکنون می‌خواهیم بحث کنیم که کدام صبر از دیگر صبرها افضل است. مطلب دیگر اینکه در بعضی از روایات، اجر صبر را معادل اجر هزار شهید معرفی کرده‌اند، این کدام صبر است؟

عمل سخت تر، افضل است

در روایاتی که قبل از موصی شد، صبر از مصیبت افضل اقسام صبر، معرفی شده بود. در روایتی که امیر المؤمنین علیه السلام از رسول الله صلی الله علیه وآلہ وسلم نقل فرمود که برای صبر هنگام مصیبت به ۳۰۰ درجه و برای صبر بر طاعت ۶۰۰ درجه و برای صبر از مصیبت

۹۰۰ درجه است، آیا هر مصیبت و هر طاعت و هر مصیبت حکمیت چشین است؟ یا گاهی فرق می کنند؟ گاهی مصیبت، مصیبت مختصری است که صبر بر آن آسان است و یک طاعت، طاعت سنگینی است مانند جهاد که صبر بر آن دشوار است، گاهی یک طاعت است که صبر بر آن آسان و سهل است مانند جواب سلام دادن که یک واجب و فریضه است، و گاهی صبر بر مصیبتی است که تحمل کردن آن بسیار دشوار است. آیا هر صبر بر مصیبت از صبر بر طاعت کمتر است؟ و هر صبر بر طاعتی از صبر بر مصیبت کمتر است؟

هر کدام از آنها که شدیدتر بود و تحملش بر نفس دشوار تر، بر

از بالای سر او نگاه می کند، و صبر در کناری می ایستد. پس وقتی آن دو فرشته که مسئول سوال و جواب او می باشند، صبر به نماز و زکات و نیکی ها می گوید: شما در برابر سوالهای فرشتگان جواب بدهید، اگر عاجز شدید و در جواب ماندید، پس من پاسخ آنها را می دهم.

صبر ممتاز

این عظمت صبر است که در عالم برزخ اینچنین ظهور می کند. این صبری که در برزخ از نماز و زکات و نیکی افضل است، همان صبر ممتاز است، نه هر صبری. اگر انسان کسی را دید که دارد غیبت مسلمانی می کند، واجب است صبر کند و گوش به سخنان او ندهد. اگر ناعترمی بر انسان می گذرد، واجب است انسان از نگاه صبر کند و نگاه به قامحوم تنباید؛ و از قبل اینها مسائلی است جزئی که ارزش زیادی ندارد. آن صبر مهم که طبیعت اش از همین خصوصیات جزئی طلیگی آغاز می شود تا می رسد به آن درجات عالیه، آن صبر ممتاز است.

اگر انسان متوجه شود که سخن او در یک روستا یا شهریا در سطح کشور باطل و خطأ از آب درآمد؛ باید اعتراف بکند که آن سخن باطل بوده است و از ادامه آن پرهیز کند و با کمال شهامت، حق را به طرف مقابل بدهد؛ این کار آسانی نیست. این عمل مانند نماز شب نیست که آسان باشد؛ مانند روزه گرفتن نیست که میسر باشد. چقدر دشوار است که انسان آن شهامت را داشته باشد که اعلام کند؛ من اشتباه کویدم! اینجا است که حضرت رسول صلی الله علیه وآلہ وسَلَّمَ کسی که وزنه بر می دارد قهرمان نیست، کسی که مالک بر غرائز خوبیشن امت، او قهرمان است.

آنجا که انسان صریحاً حاضر شود اعلام کند که حق با دیگری است و او اشتباه کرده است، آنجا است که برای حق صبر می کند و صبرش ممکن است که اجر هزار شهید داشته باشد زیرا با یک اعتراف او، چه بسا مردم بفهمند که نظام، نظام اسلامی است.

«عن أبي حمزة النخالي قال: قال أبو جعفر عليه السلام: لما حضرت أبي علي بن الحسين الوفاة، ضئني إلى صدره وقال: يا بنى أوصيك بما أوصاني به أبي حين حضرته الوفاة وبما ذكر أن أبياه أوصاه به يا بنى أوصي على الحق وإن كان فرزاً!».

امام باقر علیه السلام می فرماید: هنگامی که آخرین لحظات حیات پدرم امام مجاد علیه السلام فرا رسید، مرا به سینه خود چسباند و به من فرمود: فرزندم، تورا وصیتی می کنم که پدرم هنگام وفاتش مرا

سام آن دردها و رنجها را برای رضای خدا تحمل کردند تا اسلام محفوظ بماند و آبروی خود را به پای درخت دین ریختند، آن بمراتب افضل است از خونی که یک شهید به پای درخت دین می ریزد.

اگر گفته شد: «مداد العلماء افضل من دماء الشهداء» نه هر قلم در برابر هر خون افضل است. گاهی می بینید یک مبارزه کردن و یک شمشیر زدن افضل از عبادات ثقلین می شود. پس اینچنین نیست که بصورت مطلق، هر قلمی بالاتر از هر شمشیری باشد و هر درس و بخش بالاتر از هر مبارزه ای باشد. اگر در حال عالی بود و تأثیر هر دویکان بود، علم البه فی نفسه راجح است زیرا علم است که آن مکتب را منتشر می کند و شهید می پروراند ولی اگر اصل اسلام در خطر بود، اینجا دیگر مداد العلماء مطرح نیست، اینجا جای ضربت علی علیه السلام است که از عبادات جن و انس بالاتر است؛ اینجا نیاز به مبارزه ای دارد که اصل دین را حفظ می کند و تمام عبادات و طاعاتی که مسلمین دارند، محصل آن مبارزه است و آن مبارزه بجا و لازم وقی از قلب یک عارف خالص نشأت بگیرد، از همه عبادتها افضل است و ریشه آن افضل بودن، معرفت و خلوص است. مسلک بود عمرو بن عبدود را دیگری بکشد ولی ضربت او ضریبی نباشد که از عبادات ثقلین برتر است. آن معرفت و خلوص و صفائی نیت علی است که به عمل بها می دهد، آنچنان بهانی که از عبادات ثقلین برتر می شود.

البته ذکر این نکته ضروری است که تمام عبادات حضرت امیر علیه السلام از آن معرفت نشأت می گرفت و با خلوص ادا می شد ولی آنجا که اصل اسلام در خطر باشد، آن را نمی شود **ثقلین** که سخنرانی **باب اسکندر** حل کرد؛

فرمانروائی صبر در عالم برزخ

مطلوب دیگری که در اینجا لازم به بررسی است این است که: در عالم برزخ و قبر، اموری متجسم و مستحمل می شوند و صبر به آنها می گوید: اگر شما عاجز شدید، من مشکل را حل می کنم.

مرحوم کلینی از امام ششم سلام الله علیه نقل می کند که فرمود: «اذا دخل المؤمن في قبره، كانت الصلاة عن يمينه والركاوة عن يساره والبر مطل عليه، وينتحي الصبر ناجية فإذا دخل عليه المكان اللذان يليان فسألته قال الصبر للصلوة والزكاة والبر: دونكم صاحبكم فإن عجزتم عنه فأنادونه».

هنگامی که مؤمن وارد قبر و عالم برزخ می شود، نماز در طرف راست او و زکات در طرف چپ او قرار دارد و نیکی ها و خوبی ها هم

گناهی شد، به اندازه آن گناه کیفر می شود ولی هر کس از زن و مرد، عمل صالحی انجام دهد و با ایمان باشد (یعنی هم حسن فعلی و هم حسن فاعلی داشته باشد) پس آنها وارد در بیشتر می شوند و آنقدر از روزی های الهی برخوردار می شوند که به حساب و محاسبه در نیاید. و این بدینه است زیرا بیشتر انتها ندارد ولذا با ارقام ریاضی قابل جمع‌بینی نیست. چیزی که ایدی است و انتها ندارد، به محاسبه در نمی آید، و این مربوط به همه بیشتری ها است. واما در خود بیشتر، درجات محدود است یعنی هر شخص بالایمانی با درجه مخصوص به خود وارد بیشتر می شود ولی در بیشتر نامحدود بسر می برد، پس اجرش به حساب است ولی بقایش بغير حساب است. این برای مؤمن عادی است ولی مؤمنین که از صبر ممتاز برخوردار باشند، خداوند آنقدر به آنها پاداش و اجر می دهد که به حساب در نمی آید.

نتیجه بحث:
صبر هر چند جزء هشت صفتی است که اولو الالباب دارای آنها هستند، ولی خود صبر به منزله لبت و مغز دیگر فضائل است و صبر فی نفسه در برابر سایر عبادات از همیت و درجه ویژه‌ای برخوردار است. پس اگر صبر درجه معینی داشته باشد، با نمازو و زکات که در همان درجه باشند، صبر از آنها افضل و برتر است ولی برخی از درجات عالیه صلاة و زکات و امثال ذلك از بعضی از درجات نازله صبر بالاتر است. بنابراین صبر از صلات و زکات بالاتر است ولی بعضی از درجات نمازو و زکات از بعضی درجات صبر بالاتر است و سراینکه صبر فی نفسه از آنها بالاتر است، برای این است که به یک وصف نفسانی بر می گردد نه به یک عمل جارحی.

ادامه دارد

- ۱- بخار- ج- ۶۷- ص- ۱۱۱.
- ۲- اصول کافی- ج- ۴- ص- ۹۲- حدیث- ۱۷.
- ۳- اصول کافی- ج- ۴- ص- ۹۰- حدیث- ۸.
- ۴- اصول کافی- ج- ۴- ص- ۹۱- حدیث- ۱۳.
- ۵- سوره زمر- آیه- ۱۰.
- ۶- سوره رعد- آیه- ۸.
- ۷- سوره مؤمن- آیه- ۴۰.

وصیت کرد و یادآور شد که پدرش (حضرت امیر علیه السلام) به او وصیت کرده است که: ای فرزندم! بر حق صبر کن هر چند تلغ و ناگوار باشد.

اجری حساب برای صابران
و در روایت دیگری، در ذیل این حدیث آمده است که: فرزندم! بر حق صبر کن هر چند تلغ باشد که اگر صبر کردی، پاداشت را بی حساب به تو می دهند.

در آیه نیز می خوانیم: «اتما یوقی الصابرون اجرهم بغير حساب».^۱

صابران پاداش خود را بدون حساب، دریافت می کنند. چون این آیه ناظر به مسئله هجرت است و باید اصحاب یا دست خالی از مگه به مدینه پرورد و اصلاً به فکر آینده و تأمین زندگی آینده نباشند و سختی زیاد بکشند، این صبر است که اجرش بی حساب داده می شود؛ چون این صبر تلغ است و بسیار دشوار است؛ اینجا دیگر صبر بر یک نگاه به نامحرم یا صبر بر نشیدن یکه آنگ حرام نیست؛ اینجا صبر تلغی است که استفامت در راه حق من خواهد و این صبر بلند است که در برابر شد، خداوند آنقدر مزد به مؤمن می دهد که به حساب در نمی آید.

واما در موارد دیگر چنین نیست که اجری حساب به انسان بدهند «کل شیء عنده بمقدار» همه چیز نزد خدای سبحان با اندازه و مقدار است، و همه چیز را با حساب می دهند و در مورد صبر که چنین وارد شده است که برای صابران، پاداش بی حساب می دهند، به این معنی نیست که بی اندازه و مقدار است ولی به حساب در نمی آید بعین شمارش آن را جز خدای سبحان کسی نمی داند. ولی آنچه به صبر امتیاز می دهد این است که خداوند در هیچ جای قرآن نظرموده است که ما به اندازه‌ای اجر می دهیم که به حساب در نیاید لیکن در باره صبر و پاداش صابران.

و مورد دیگر اصل بیشتر است که برای همه بیشتران بغير حساب است یعنی به حساب در نمی آید چون ایدی است. در آیه می خوانیم: «من عمل سینه فلا یجزی الا مثلها ومن عمل صالحًا من ذکر أو أئنه وهو مؤمن، فأولئك يدخلون الجنة، برزقون فيها بغير حساب».^۲ هر کس مرتکب

گناه و بلا

امام باقر علیه السلام:

«ما مِنْ نَكْبَةٍ يُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ».

هیچ نکبت و حادثه نامطلوبی دامن گیر آدم نمی شود مگر به سبب گناه.

(أصول کافی- ج ۲ ص ۲۶۹)